

# کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکه‌ای - شماره ده

Jeff Pippenger

2025-12-14

## شماره ده

ما در حال پرداختن به بخشی از رؤیای اشعیا هستیم که از باب هفتم آغاز می‌شود و تا پایان باب دوازدهم ادامه می‌یابد. این کار را می‌کنیم، زیرا در سال ۱۸۵۰ «خداوند برای بار دوم دست خود را دراز کرد تا گرد آورد» قوم باقی‌مانده خود را. ما نشان‌های راه ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ را در جای خود قرار می‌دهیم. «۱۸۵۰» و «گردآوری دوم» یکی از آن نشان‌های راه به‌شمار می‌آید.

از آن‌جا که رؤیای اشعیا از آیه یک فصل هفتم آغاز می‌شود، هر بار که عبارتی مانند «در آن روز» به کار می‌رود، باید آن را در چارچوب نبوی تثبیت‌شده فصل هفتم قرار داد. یکی از کلیدهای تقسیم‌بندی درست این رؤیا این است که دریابیم نبوت بر مبنای اصول «تکرار و گسترش» عمل می‌کند و این قاعده در این رؤیا جاری است.

حقایق نبوی گوناگونی که در رؤیای اشعیا، از فصل ششم به بعد، شناسایی می‌شوند، باید به آن‌ها از این منظر نگریست که «قبل از هر چیز»، اشعیا نماینده جانی است که در ۱۱ سپتامبر مسح شده تا اعلام کند باران آخر فرا رسیده است. در آن زمینه مقدس، فصل هفتم اشعیا همان ترسی را به تصویر می‌کشد که نبی در فصل ششم نمایانده بود، آن‌گاه که این پرسش را مطرح کرد که «تا چه مدت» باید پیام ۱۱ سپتامبر را به کلیسای مرتدی ابلاغ کند که «چشم داشت اما از دیدن سر باز می‌زد و گوش داشت اما از شنیدن سر باز می‌زد»؟

در رؤیا، پادشاه شریر و نادان آحاز، نماد یک لاودیکه‌ای است که هشدار پیام باران آخر را - چنان‌که از سوی دیده‌بانانی که با آحاز شریر و نادان رویارو می‌شوند و اشعیا و پسرانش نماینده آنان‌اند، ارائه می‌شود - نخواهد پذیرفت.

۱۱ سپتامبر در تاریخ نبوتی دانیال باب یازدهم، آیه چهارم، جای گرفت؛ بنابراین وقتی اشعیا در باب ششم در جایگاه ۱۱ سپتامبر قرار می‌گیرد، او از نظر نبوتی در محدوده آیه چهارم باب یازدهم دانیال جای دارد، و مهم‌تر از آن در «تاریخ پنهان آیه چهارم» قرار می‌گیرد. تاریخ پنهان آیه چهارم از زمانی آغاز شد که آن آیه در سال ۱۹۸۹ با فروپاشی اتحاد شوروی تحقق یافت. از ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه آیه چهارم ویک، «تاریخ پنهان آیه چهارم» است که همان‌جا، به دست شیر قبیله یهودا، در همان «تاریخ پنهان» مهرش گشوده می‌شود. آنچه این امر در بررسی ما از اشعیا به‌عنوان نمایانگر یک پیام‌آور باران آخر پس از ۱۱ سپتامبر آشکار می‌سازد این است که بخشی از پیام باران آخر که اشعیا اعلام می‌کند، همانا دانیال باب یازدهم، آیات چهارم ویک تا چهارم و پنج است.

اشعیا در باب ده، با ایستادن نبوی در یازده سپتامبر، هشدار می‌دهد که رویداد بعدی همان «فرمان ناعادلانه» است که «قانون یکشنبه» می‌باشد و در آیه چهارم ویکم دانیال باب یازدهم به تصویر کشیده شده است. تصویرپردازی اشعیا از پیام باران پسین در چارچوب «تاریخ پنهان» مرتبط با آیه چهارم - پس از یازده سپتامبر - جای گرفته است. تحقق آیه چهارم در سال ۱۹۸۹، اشعیا را پس از ۱۹۸۹، در یازده سپتامبر قرار می‌دهد؛ جایی که با ذغال افروخته‌ای از روی مذبح مسح می‌شود. اشعیا نماینده پیام‌آوری است که پیامش شامل شش آیه پایانی دانیال باب یازدهم است.

اشعیا به صراحت می‌گوید که او و فرزندانش برای آیات و عجایب هستند. در باب هفت، آیه سه، اشعیا و پسرش کنار مجرای آب حوض بالا، بر شاهراه کنار کشتزار قصار ایستاده‌اند. اشعیا پیام باران دیرهنگام را که در باب شش برای اعلام آن مسح شده بود ارائه می‌کند، و او در کنار سه نماد باران دیرهنگام، و نیز همراه با فرزندش شئارجاشوب ایستاده است. مجرای آب حوض بالا اشارت نبوی به دو لوله‌ای است که با روغن زرین پر شده‌اند؛ همان‌ها که زکریا معرفی‌شان می‌کند و خواهر وایت بارها درباره‌شان اظهار نظر کرده است. این دو لوله، پیامی را که از مجرای آب حوض بالا در پیام باران دیرهنگام می‌آید، مشخص می‌کنند.

آبراه اشعیا با دو لوله زکریا مرتبط است، و تفسیر الن وایت، زکریا را با مثل ده باکره پیوند می‌دهد. اشعیا در باب شش، وقتی جلال خداوند را می‌بیند، به خاک می‌افتد. او می‌پذیرد پیامی را که در آیه سه نمایانده شده، به‌عنوان پیامی که زمین را با جلال خدا روشن می‌کند، ابلاغ کند. و با زغالی از مذبح تطهیر می‌شود و سپس در کنار حوضی می‌ایستد که از آب حوض بالا پدید آمده است. در باب بیست‌وهشت، اشعیا پیام باران پسین را به صورت «خط بر خط» تعریف می‌کند و در آیه سه، حوض بالا نماینده چندین خط نبوت است.

اشعیا که نماینده روحی در ۱۱ سپتامبر است، تنها در جایی می‌ایستد که روغن زرین از حوض فوقانی سرازیر می‌شود، اگر آن روح «راه نیکو» را طلب کرده باشد؛ راهی که به «راه دیرینه» ارمیا می‌انجامد، یعنی همان «شاهراه (راه) نزد صحرای رخت‌شویان» اشعیا که در آن «آرامی» ارمیا یافت می‌شود. پیام باران آخر اشعیا نه تنها بر خط ده باکره، خط زکریا درباره دو لوله زرین، و خط ارمیا درباره راه دیرینه مبتنی است، بلکه اشعیا همچنین در «صحرای رخت‌شویان» ایستاده است؛ جایی که «فرستاده عهد» پسران لاوی را همچون نقره و طلا تطهیر و پالایش می‌کند.

آوردن دیگر خطوط نبوتی به آیه سوم باب هفتم کاری بسیار آسان است. روغن زکریا و ده باکره به نردبان یعقوب و دو آیه نخست مکاشفه پیوند می‌یابد، زیرا همه آن‌ها به فرایند ارتباط میان خدا و انسان می‌پردازند. طریق قدیم ارمیا شامل «دیدبان»ی است که کرنا را به صدا درمی‌آورد، اما آواز پادشاه شریر و جاهل از شنیدن آن سر باز می‌زند. آن کرنا همه کرناهای نبوت، و نیز دیدبانان نبوتی را، به «شاهراه» اشعیا فرامی‌خواند، جایی که اشعیا و پسرش می‌ایستند تا پیامی را به رهبر لائودبیکه ابلاغ کنند.

اشعیا و پسرش شئارجاشوب، که به معنای «باقی‌مانده بازخواهد گشت» است، در کنار هم ایستاده‌اند و اعلان پیام باران آخر را که در یازدهم سپتامبر فرا رسید، به تصویر می‌کشند. آنها برای دیدار پادشاه شریر آواز می‌روند و به‌عنوان پدر و پسر، نماد آلفا و امگا، یعنی قاعده اصلی روش «خط بر خط»، هستند. «خط بر خط» همان قاعده‌ای است که اصل «روز/سال» در جنبش میلری نمونه آن بود.

در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، پیشگویی‌ای مربوط به اسلام درباره دومین وای مکاشفه باب نهم تحقق یافت و اصل «روز/سال» میلریتی تأیید شد، و بدین‌سان به پیش‌بینی میلر درباره سال ۱۸۴۳ که بر اصل روز/سال استوار بود اعتبار بخشید. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پیشگویی‌ای مربوط به اسلام درباره سومین وای مکاشفه باب‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ تحقق یافت و اصل آلفا (۸-۱۱-۱۸۴۰) و امگا (۹/۱۱) تأیید شد، و هنگامی که ساختمان‌های بزرگ نیویورک فرو ریختند، فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده فرود آمد—همان‌گونه که فرشته نیرومند مکاشفه باب ده در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمده بود، زمانی که آلفایی که نماد امگا بود تحقق یافت.

اشعیا و پسرش نه تنها اصل بنیادین «خط بر خط» را مجسم می‌کنند، بلکه حامل پیام ایلیا نیز هستند؛ پیامی که با رابطه یک پدر و فرزندانش به تصویر کشیده می‌شود. پیام ایلیا که درست پیش از روز بزرگ و هولناک خداوند اعلام می‌شود، پیامی را مشخص می‌کند که درست پیش از آغاز داورای‌های

اجرایی خدا فرا می‌رسد. داوری‌های اجرایی خدا دوره‌ای را نمایندگی می‌کند که «روز بزرگ و هولناک خداوند» است. آن دوره با قانون یکشنبه آغاز می‌شود و تا هفت بلای آخر ادامه می‌یابد. این دوره با قانون یکشنبه شروع می‌شود و با هفت بلای آخر پایان می‌یابد. از این رو پیام ایلیا بر اصل آلفا و امگا استوار است، همراه با هشدار نزدیک شدن پایان مهلت. در کنار پیام ایلیا، خطوط گوناگون نبوتی نیز که بر پایه ایلیا استوارند، وجود دارد؛ زیرا ایلیا، بنا بر گفته عیسی، نمایانگر یوحنا تعمیددهنده بود و هر دو، ایلیا و یوحنا، به گفته خواهر وایت نمایانگر ویلیام میلر بودند؛ و در کنار هم، ایلیا و یوحنا تعمیددهنده به ترتیب نمایانگر هر دو گروه صد و چهل و چهار هزار نفر (ایلیا) و جمعیت عظیم مکاشفه باب هفت (یوحنا) هستند.

اشعیا و پسرش بر سر راه‌های کهن ایستاده‌اند که همان بنیادها هستند و دارند روغن زرین را دریافت می‌کنند، زیرا آنان دوشیزگان دانایی‌اند که از فرایند تطهیر رخت‌شویان می‌گذرند؛ فرایندی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت و نمونه‌ای از قانون یکشنبه بود. اشعیا و باقی‌ماندگانی که باز می‌گردند (زیرا نام پسرش، شیارچاشوب، همین معنا را دارد)، نمایانگر باقی‌ماندگانی‌اند که در ۱۱ سپتامبر به راه‌های کهن «باز می‌گردند». رابطه پدر و باقی‌مانده—که همان رابطه آلفا و امگا است و نیز همان رابطه ایلیا یعنی «دل‌های پدران و فرزندان»—نشان می‌دهد که پدر میلر و پیوند او با یک جنبش باقی‌مانده فرشته اول، همان جنبش آلفای فیلادلفیا بوده است. در جنبش آلفا، پدر میلر به‌عنوان ایلیا و یحیی تعمیددهنده شناخته شد؛ همان کسی که عیسی او را پیام‌آوری دانست که راه را برای رسول عهد مهیا می‌کند. تمام آن تحقق‌های نبوی در تاریخ آلفای فرشته اول و دوم در تاریخ امگای فرشته سوم تکرار می‌شوند.

نکات مهم‌تری درباره تمثیل اشعیا در آن رؤیا وجود دارد، اما اینجا صرفاً نشان می‌دهیم که اشعیا به‌طور مشخص حقایق گوناگونی را شناسایی می‌کند که هسته پیام باران پسین ۱۱ سپتامبر را تشکیل می‌دهند. همه این خطوطی که همین‌اکنون درباره‌شان بحث کردیم، و البته بسیاری دیگر، در باب هفتم، آیه سوم آمده‌اند.

در آیه هشتم، حقیقت نبوتی اوج می‌گیرد، زیرا کلیدی را معرفی می‌کند که «تاریخ پنهان آیه چهل» را می‌گشاید؛ و شگفت‌آور آن که این کلید در همان آیه‌ای معرفی می‌شود که در آن آغاز هر دو نبوت زمانی ۲۵۲۰ ساله مشخص شده است.

زیرا پایتخت سوریه دمشق است و سرور دمشق رصین؛ و تا شصت و پنج سال دیگر، افرایم چنان درهم شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و پایتخت افرایم سامره است و سرور سامره پسر رملیا.

اگر ایمان نیاورید، یقیناً پایدار نخواهید ماند. اشعیا ۸:۷، ۹.

تصویر اشعیا از پیام باران پسین، «هفت بار» موسی را نیز در بر می‌گیرد، زیرا نبوت شصت و پنج ساله آیه هشت، نقطه آغاز پراکندگی ۲۵۲۰ ساله هر دو پادشاهی شمالی و جنوبی اسرائیل را مشخص می‌کند. در همان آیه، کلیدی هست که سه خط نبوی را به هم پیوند می‌دهد: آیه ۴۰ باب ۱۱ دانیال درباره فروپاشی ۱۹۸۹ اتحاد جماهیر شوروی، به‌اضافه آیه ۱۰ باب ۱۱ دانیال، و نیز آیه ۸ باب ۸ اشعیا. در این سه خط (اشعیا ۸:۸؛ دانیال ۱۱:۱۰ و ۴۰)، کلید، «سرها»ی آیات هشت و نه است. هنگامی که کلید «سرها» بر آن سه آیه موازی اعمال شود، در تاریخ جنگ اوکراین و جنگ جهانی سوم قریب‌الوقوع گشوده می‌شود. وقتی آن در نبوی گشوده شود، آیات ۱۱ تا ۱۶ باب ۱۱ دانیال آنگاه به‌عنوان تاریخی موازی با آیه ۴۰ باب ۱۱ دانیال در دوره پس از فروپاشی ۱۹۸۹ اتحاد جماهیر شوروی دیده می‌شوند. گشوده شدن «تاریخ پنهان آیه چهل» حقیقتی است که از جمله معدود حقایقی به‌شمار می‌رود که در پیوند با مهرگشایی مکاشفه عیسی مسیح، درست پیش از بسته شدن در رحمت، به‌عنوان مهرگشوده

شناخته می‌شوند.

آیه یک فصل هشت کتاب اشعیا با واژه «علاوه بر این» آغاز می‌شود، که نشان می‌دهد فصل هشت باید بر فصل هفت منطبق شود. گذشته از اینکه نخستین واژه «علاوه بر این» است، آیه سوم فصل هشت با آیه سوم فصل هفت پیوند می‌خورد و به‌عنوان شاهد دوم نشان می‌دهد که این دو فصل باید خط به خط اعمال شوند. هر دو آیه سوم یکی از پسران اشعیا را معرفی می‌کنند که نام‌های هر دو پیام نبوی درون داستان را باز می‌گویند. «شئاریاشوب» یعنی «باقی‌مانده‌ای باز خواهد گشت» و «ماهر شلال حاش بز» یعنی «شتابان به غارت». نخست از شئاریاشوب یاد می‌شود، سپس از ماهر شلال حاش بز (که طولانی‌ترین نام در کتاب مقدس است). آلفا که با «ا» نشان داده شده کوچک‌تر است، و در این مورد حتی «باقی‌مانده» خوانده می‌شود؛ و اومگا که با «ا» نشان داده شده بزرگ‌تر است و با طولانی‌ترین نام در کتاب مقدس نمایانده می‌شود، در حالی که تحرکات سریع قانون یکشنبه را نمادپردازی می‌کند.

باقی‌مانده آلفا، که شئیر یاشوب نماینده آن است، در آیه سه همراه پدرش، اشعیا، حضور دارد. آنها با هم آلفا و امگا هستند و در مکانی ایستاده‌اند که از سه اشاره متمایز به باران پسین تشکیل شده است.

آنگاه خداوند به اشعیا فرمود: اکنون بیرون برو تا با آحاز دیدار کنی، تو و پسرت، شئیر یاشوب، در انتهای مجرای آب حوض بالایی، در شاهراه مزرعه قصار. اشعیا ۷:۳.

اشعیا نماد صد و چهل و چهار هزار است و چون دعوت ۱۱ سپتامبر را نمایندگی می‌کند، اشعیا همچنین دعوت ژوئیه ۲۰۲۳ را نمایندگی می‌کند. در ۱۱ سپتامبر، اشعیا لاودیکیه‌ای است که با یعقوب غاصب نمایانده می‌شود؛ کسی که قصد داشت حق نخست‌زادگی عیصو را برآید، در حالی که خداوند ادونتیسیم را از دهان خود قی می‌کند، و در ۲۰۲۳ اشعیا نماینده اسرائیل غالب است. اشعیا نماینده کسی است که پیام خدا را ارائه می‌کرد، بیدار می‌شود به این حقیقت که او لاودیکیه‌ای است، و سپس اخگری او را پاک می‌کند تا فیلادلفی شود.

اشعیا منظره‌ای شگفت‌انگیز از جلال خدا دید. او تجلی قدرت خدا را دید، و پس از تماشای شکوه او، پیامی به او رسید که برود و کاری معین انجام دهد. او خود را برای آن کار کاملاً نالایق احساس کرد. چه چیز باعث شد خود را نالایق بداند؟ آیا پیش از آن که منظره‌ای از جلال خدا بباید، خود را نالایق می‌دانست؟ نه؛ او خود را در پیشگاه خدا پارسا می‌پنداشت؛ اما وقتی جلال خداوند لشکرها بر او مکشوف شد، وقتی شکوه وصف‌ناپذیر خدا را دید، گفت: «وای بر من، زیرا که هلاک شدم؛ چون مردی هستم با لب‌های ناپاک و در میان مردمی با لب‌های ناپاک ساکنم؛ زیرا چشمانم پادشاه، خداوند لشکرها را دیده است.» آنگاه یکی از سرافین به سوی من پرواز کرد؛ در دستش زغال افروخته‌ای داشت که آن را با انبر از روی مذبح برداشته بود، و آن را بر دهانم نهاد و گفت: «این لب‌هایت را لمس کرده است؛ گناهت برداشته شد و خطایت پاک گردید.» این همان کاری است که هر یک از ما نیاز داریم برایمان انجام شود. ما می‌خواهیم زغال افروخته‌ای که از روی مذبح برداشته شده بر لب‌هایمان نهاده شود. می‌خواهیم این کلام را بشنویم: «گناهت برداشته شد و خطایت پاک گردید.» Review and Herald، ۴ ژوئن ۱۸۸۹.

«تا به کی» در باب ششم اشعیا نمادی از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه است، و باب ششم نمایانگر ۱۱ سپتامبر است. باب‌های هفت تا نه پیامی را ارائه می‌کنند که اشعیا به رهبری مرتد یهودا داد، و تمثیلی از آنچه در زمان مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار، هنگامی که مستان افرایم می‌لغزند، رخ می‌دهد. در همان رؤیا، اشعیا می‌نویسد:

اینک، من و فرزندان من که خداوند به من عطا کرده است، برای آیات و عجایب در اسرائیل هستیم، از جانب خداوند لشکرها، که در کوه صهیون ساکن است. اشعیا ۸:۱۸.

اشعیا و فرزندان نشان‌هایی در دل معماهایی هستند که در فصل‌های هفت تا نه آمده‌اند. از نظر هرگونه اشاره به «آن روز» یا «آن زمان»، فصل‌های هفت تا نه مرجع تمام رؤیاست. آیه هجده بیان می‌کند که اشعیا و پسرانش نشان‌ها هستند، و آیاتی که پیرامون آیه هجده قرار دارند دوره زمانی‌ای را که باید آن نشان‌ها شناخته شوند مشخص می‌کنند.

و بسیاری از ایشان خواهند لغزید، خواهند افتاد، شکسته خواهند شد، به دام خواهند افتاد و اسیر خواهند شد. شهادت را ببند، شریعت را در میان شاگردانم مهر کن. و منتظر خداوند خواهم ماند، او که روی خود را از خانه یعقوب پنهان می‌دارد، و او را خواهم جست.

اینک، من و فرزندان من که خداوند به من داده است، برای آیات و عجایب در اسرائیل هستیم، از جانب خداوند لشکرها که در کوه صهیون ساکن است. اشعیا ۸:۱۵-۱۸.

اشعیا و دو پسرش نمایانگر کسانی هستند که «منتظر خداوند می‌مانند». آنان همان کسانی‌اند که خداوند «روی خود» را از آنان پنهان کرده بود؛ و این ویژگی کسانی است که پس از ژوئیه ۲۰۲۳ به مطالبات دعای لاویان ۲۶ آگاه می‌شوند. آنان به این واقعیت آگاه می‌شوند که اعترافشان باید شامل این باشد که خداوند بر خلاف آنان رفتار کرده بود؛ یعنی اینکه او روی خود را از آنان پنهان کرده بود.

«بستن شهادت و مهر کردن شریعت» به معنای مهر شدن صد و چهل و چهار هزار است که در تقابل با «بسیاری» قرار دارند. «بسیاری» دعوت می‌شوند، اما معدودی برگزیده می‌شوند. «بسیاری» در تقابل با اشعیا و دو پسرش قرار می‌گیرند که نماینده اندک‌شماران‌اند. «بسیاری» همان پنج باکره نادان‌اند و به همین دلیل پنج چیز بر سرشان می‌آید: «می‌لغزند، می‌افتند، شکسته می‌شوند، به دام می‌افتند و گرفته می‌شوند.» آنها می‌لغزند زیرا پیام باران پسین را رد کرده‌اند.

زیرا با لب‌های لکنت‌دار و زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. به آنان گفت: این است آرامش که به آن می‌توانید خستگان را آرام دهید، و این است تجدید قوت؛ اما نخواستند گوش فرا دهند. اما کلام خداوند برای ایشان چنین شد: «فرمان بر فرمان، فرمان بر فرمان؛ خط بر خط، خط بر خط؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا»، تا بروند و به پشت بیفتند و شکسته شوند و به دام افتند و اسیر گردند. اشعیا ۱۱:۲۸-۱۳.

در زمان مهر کردن باب هشتم، اشعیا سقوط شریران را که نمونه‌اش آجاز است توصیف می‌کند و همان گروه را نیز در آیه سیزدهم باب بیست‌وهشتم مشخص می‌کند. علت «سقوط» شان این است که پیام باران پسین را که برایشان «خط بر خط» بود و از سوی کسانی که به «لب‌های لکنت‌دار» توصیف شده‌اند ارائه می‌شد، رد می‌کنند. یهودیان بهانه‌جو در روز پنطیکاست، چون پیام را درک نمی‌کردند، شاگردان را به مستی متهم کردند. در نظر آنان، این پیام از سوی لب‌های لکنت‌دار ارائه می‌شد.

در آیه سوم از باب هفتم، اشعیا به‌عنوان آلفای نبوی برای پسرش شئاریاشوب است؛ و او، به‌نوبه خود، نسبت به پدرش امگا، اما نسبت به برادرش نیز آلفاست. آنان به‌عنوان نمایندگان آلفا و امگا در جایی می‌ایستند که دو لوله زرین از قدس آسمانی حوضی پدید می‌آورند، درست بر شاهراه «راه کهنه»ی ارمیا، در مزرعه‌ای که کتان از لکه‌ها به سپیدی خالص بدل می‌شود، آنگاه که فرشته عهد پسران لاوی را، و نیز اشعیا و شئاریاشوب را، پاک می‌سازد. او چون به آنجا می‌رسد، پیام «راه کهنه» موسی درباره «هفت بار» در لاویان باب بیست‌وشش را به پادشاه شریب و نادان، آجاز، عرضه می‌کند؛ پیامی که در همان آیه نشان می‌دهد که «سر» یعنی پادشاه، یا پادشاهی پادشاه، یا شهر پایتخت یک پادشاهی.

آن کلید راه را به سوی نور کلام خدا می‌گشاید تا جنگ اوکراین که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد بتواند به‌عنوان موضوعی از نبوت‌های کتاب مقدس دیده شود؛ موضوعی که به‌صورت رخ‌دادن در زمان مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر و در بستر تاریخ سه رئیس‌جمهور اخیر ایالات متحده بازنمایی شده است. پیام باران آخر به‌وسیله اشعیا در فصل‌های ده و یازده بازنمایی شده است و تاریخ درونی و بیرونی شش آیه پایانی فصل یازدهم دانیال را توصیف می‌کند. آیه نخست، یعنی آیه چهل، توسط اشعیا در فصل‌های شش تا نه به تصویر کشیده شده است و سپس در فصل‌های ده و یازده، پیامی که در سال ۱۹۸۹ مهرش برداشته شد، در تاریخ‌های درونی و بیرونی بیان می‌شود. هر عنصر عمده پیام باران آخر در آن رؤیا بازنمایی شده است.

آخرین آیات فصل دهم همان تاریخ نبوتی را مشخص می‌کنند که آخرین آیات فصل یازدهم نشان می‌دهند. فصل دهم جنبه بیرونی است و فصل یازدهم جنبه درونی. در کتاب مکاشفه، هفت کلیسا جنبه درونی‌اند و مهرها جنبه بیرونی. در آیات پایانی فصل دهم، قدرت پاپی خود را علیه اورشلیم می‌جنباند؛ این بخشی موازی با آنجاست که در آیه ۴۵ از فصل یازدهم کتاب دانیال، قدرت پاپی به پایان خود می‌رسد و کسی برای یاری‌اش نیست.

در همان روز در نوب درنگ خواهد کرد؛ دست خود را بر کوه دختر صهیون، تپه اورشلیم، خواهد جنباند. اینک، خداوند، رب‌الجنود، شاخه را با هیبت خواهد برید؛ بلندقدان به زیر افکنده خواهند شد و متکبران فروتن خواهند گردید. و پرپشت‌های جنگل را با آهن قطع خواهد کرد، و لبنان به دست نیرومندی فرو خواهد افتاد. اشعیا ۳۲:۱۰-۳۴.

پایان فصل دهم، خاتمه دوره آزمایش بشر است، و باب یازدهم دانیال نیز در همان‌جا پایان می‌یابد.

و خیمه‌های کاخ خود را میان دریاها بر کوه مقدس باشکوه برپا خواهد کرد؛ اما به پایان خود خواهد رسید و هیچ‌کس او را یاری نخواهد کرد. و در آن زمان، میکائیل، آن سرور بزرگ که برای فرزندان قوم تو ایستاده است، برخواید خاست؛ و زمانی از تنگی خواهد بود، چنان‌که از زمان پدید آمدن امتی تا همان زمان هرگز نبوده است؛ و در آن زمان قوم تو رهایی خواهند یافت، هر که نامش در کتاب یافت شود. دانیال ۱۱:۴۵، ۱۲:۱.

فصل دهم در آیه یک با «فرمان ناعادلانه» آغاز می‌شود که خواهر وایت آن را قانون یکشنبه می‌داند.

وای بر آنان که احکام ناعادلانه صادر می‌کنند و قوانین ستمگرانه‌ای را که خود تجویز کرده‌اند می‌نویسند. اشعیا ۱۰:۱

فصل دهم از قانون یکشنبه آغاز می‌شود که با آیه چهل‌ویکم باب یازدهم دانیال منطبق است و با موازی برخاستن میکائیل در تاریخ آیه چهل‌وپنجم همان باب به پایان می‌رسد.

یک سبت بت‌پرستانه برپا شده است، همان‌گونه که مجسمه زرین در دشت دورا برپا شد. و چنان‌که نبوکدنصر، پادشاه بابل، فرمان داد که هر کس در برابر این مجسمه سر فرود نیاورد و آن را عبادت نکند کشته شود، به همین سان اعلامیه‌ای صادر خواهد شد که هر کس به نهاد یکشنبه حرمت نگذارد با زندان و مرگ مجازات خواهد شد. بدین‌سان سبت خداوند پایمال می‌شود. اما خداوند اعلام کرده است: «وای بر آنان که احکام ناعادلانه وضع می‌کنند و ستمی را که تجویز کرده‌اند می‌نویسند» [اشعیا ۱۰:۱]. [صفینا ۱۴:۱-۱۸:۱؛ ۲:۱-۳، نقل شده]. انتشار دست‌نوشته‌ها، جلد ۱۴، ۹۱.

در «زلزله عظیم» مکاشفه یازده، که در آیه سیزده نمایانگر قانون یکشنبه است، سه نماد از اسلام با آن «زلزله» مرتبط‌اند که وحش زمین مکاشفه سیزده را، وقتی مانند اژدها سخن می‌گوید، می‌لرزاند. در باب دهم اشعیا، قانون یکشنبه به‌صورت «فرمان ناروا» پی‌نمایانده شده که بر آن «وای» اعلام

شده است. در «زلزله عظیم» مکاشفه یازده، از آیه سیزده تا آیه هجده، اسلام وای سوم با چهار نماز اسلام و ضربه‌ای که در هنگام قانون یکشنبه بر ایالات متحده وارد می‌کند، مشخص می‌شود؛ «و در همان ساعت زلزله‌ای عظیم روی داد»، و «وای دوم گذشته است؛ و اینک وای سوم به زودی می‌آید. و فرشته هفتم شیپور نواخت»، «و امت‌ها خشمگین شدند».

فصل دهم قدرت پاپی را از آیه چهل و یک در دانیال باب یازدهم تا آیه چهل و پنج، زمانی که دستگاه پاپی به پایان خود می‌رسد، به تصویر می‌کشد. آیه چهل بخشی از روایت در فصل دهم نیست، زیرا اشعیا «تاریخ پنهان» آیه چهل را هنگامی که پیام باران آخر به کلیسای مرتدی که آواز نماینده آن است عرضه می‌شود، به تصویر می‌کشد. جمع‌بندی فصل یازدهم رهایی از قدرت پاپی را در همان دوره تاریخی نشان می‌دهد.

و خداوند زبان دریای مصر را بالکل نابود خواهد کرد؛ و به باد نیرومند خود دست خویش را بر نهر خواهد جنباند و آن را به هفت جویبار خواهد شکافت و مردمان را خشک‌پا از آن عبور خواهد داد. و برای بازماندگان قوم او که از آشور باقی خواهند ماند، شاهراهی خواهد بود؛ چنان‌که برای اسرائیل بود در روزی که از زمین مصر برآمد. اشعیا ۱۱:۱۵، ۱۶.

اشعیا فصل دهم جنبه بیرونی همان تاریخ است و فصل یازدهم جنبه درونی آن. موازی‌های بیرونی و درونی در کلام خدا فراوان‌اند، و این دو فصل موازی هشدار فرشته سوم را چنان‌که در اشعیا ارائه شده است، باز می‌نمایند. هشدار فرشته سوم به شیوه‌های گوناگون از طریق الهام خلاصه شده، اما یک تقسیم‌بندی بسیار سودمند از آن این است که از یک سو رویدادهای مرتبط با پایان دوره مهلت را باز می‌نماید و از سوی دیگر بر ضرورت آمادگی شخصی تأکید می‌کند. اشعیا فصل دهم مربوط به رویدادهاست و فصل یازدهم مربوط به آمادگی است.

رویدادهای مرتبط با پایان مهلت و کار آمادگی برای زمان تنگی به روشنی ارائه شده‌اند. اما انبوهی از مردم این حقایق مهم را بیش از این درک نمی‌کنند، چنان‌که گویی هرگز بر آنان آشکار نشده باشد. شیطان در کمین است تا هر تأثیری را که می‌تواند آنان را برای نجات خردمند سازد، برباید، و زمان تنگی آنان را ناآماده خواهد یافت.

هرگاه خدا به انسان‌ها هشدارهایی می‌فرستد که آن قدر مهم‌اند که گویی فرشتگان مقدسی که در میانه آسمان پرواز می‌کنند آن‌ها را اعلام می‌کنند، از هر کسی که از قوه تعقل برخوردار است می‌طلبد به این پیام گوش فرا دهد. داوری‌های هولناکی که بر ضد پرستش وحش و تمثال او اعلام شده است (مکاشفه ۹: ۱۴-۱۱)، باید همه را برانگیزد تا به مطالعه دقیق و جدی نبوت‌ها بپردازند تا دریابند نشانه وحش چیست و چگونه باید از دریافت آن بپرهیزند. اما توده‌های مردم گوش خود را از شنیدن حقیقت برمی‌گردانند و به افسانه‌ها روی می‌آورند. رسول پولس، با نظر به روزهای آخر، اعلام کرد: "زمانی خواهد آمد که تعلیم صحیح را برنخواهند تافت." دوم تیموتائوس ۴: ۳. آن زمان به‌تمامی فرا رسیده است. انبوه مردم حقیقت کتاب مقدس را نمی‌خواهند، زیرا با امیال دل‌گناه‌آلود و دنیا دوست‌شان تعارض دارد؛ و شیطان فریب‌هایی را که دوست می‌دارند فراهم می‌کند.

اما خدا بر روی زمین قومی خواهد داشت که کتاب مقدس، و فقط کتاب مقدس، را معیار همه آموزه‌ها و بنیاد همه اصلاحات حفظ کند. آراء عالمان، استنتاج‌های علمی، اعتقادات نام‌ها یا تصمیم‌های شوراهای کلیسایی—که به همان اندازه پر شمار و ناسازگارند که کلیساهایی که نمایندگی می‌کنند—و صدای اکثریت؛ نه هیچ‌یک و نه همه اینها، نباید به‌عنوان دلیلی له یا علیه هیچ نکته‌ای از ایمان دینی به شمار آید. پیش از پذیرفتن هر آموزه یا حکمی، باید برای تأیید آن یک «چنین می‌گوید خداوند» صریح مطالبه کنیم.

شیطان همواره می‌کوشد توجه را به انسان به جای خدا جلب کند. او مردم را وامی‌دارد که به اسقفان، به کشیشان، به استادان الهیات، به عنوان راهنمایان خود بنگرند، به جای آن‌که خودشان با جست‌وجو در کتاب مقدس وظیفه خویش را بیاموزند. سپس با تحت کنترل گرفتن اذهان این رهبران، می‌تواند توده‌های مردم را مطابق اراده خود تحت تأثیر قرار دهد. مناقشه بزرگ، ۵۹۴، ۵۹۵.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.